

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صل الله على سيدنا و نبينا مولانا ابالقاسم المصطفى محمد و اله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما حجه ابن الحسن العسكري ارواحنا لتراب مقدمه الفداه

شادی ارواح طیبیه شهدا امام شهیدان مخصوصا ً شهدای حوزه-های علمیه و مراکز علمی و دانشگاهی اجماعاً ً صلواتی بفرستید. 40 سالگی انقلاب را تبریک عرض می-کنم خدمت سروران عزیز. دوستان فرمودند درباره بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران-که اخیراً ً از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد - خدمت سروران عزیز یک تحلیل محتوایی و توضیحی بدهیم. من از وقتی که این بیانیه منتشر شد تقریباً ً اجمالاً ً اطلاع داشتم که حضرت آقا مشغول نوشتن یک متن مهمی است و تقریباً ً خیلی از جلسات و کارها و کلاس-های درس را تعطیل کرده بودند و مشغول تدوین این بیانیه شدند. از ابتدای انتشار تا الان تقریباً ً شاید 17-18 مرتبه این بیانیه را من مطالعه کردم 2-3 باری هم دربابش صحبت کردم ولی هر باری که مطالعه می-کنم یک نکات جدیدی استفاده می-شود. خیلی با دقت و باظرافت و با تفکر و تأمل این متن نگاشته شده است به یک معنا مانیفیست جمهوری اسلامی است. خلاصه متن به این صورت است -چون من بعد می-خواهم تحلیل محتوایی خودم را عرض کنم- بعد از حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسول الله و اهل بیت و اصحاب منتخب الهی که وارد بحث یک تبیین از انقلاب می-شود و دومین مرحله خودسازی و جامعه-پردازی و تمدن-سازی را مطرح می-کند، بعد به این نکته که پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر عصر جدید عالم است. شعارهای فطری انقلاب اسلامی ، دفاع انقلاب اسلامی از نظریه نظام انقلابی تا آنجایی که یک توصیفی از انقلاب اسلامی هم دارد که از نقطه صفر آغاز کرد با تقابل دوگانه اسلام و استکبار و تأکید بر مدیریت جهادی که به عنوان مهم-ترین عامل پیشرفت ایران است و به برکات بزرگ انقلاب اسلامی پرداختند که مواردی را اشاره کردند و آخر هم که توصیه-هایی را فرمودند که 7 توصیه به مردم حالا با تعبیر "شما فرزندان عزیزم" که بخش-های مختلفی از این هم به جوانان خطاب شده است . درباره این بیانیه، ما دو کار مهم باید انجام بدهیم. ما که می-گوییم به هر حال مولی علیهم که خودشان را ولایت-مدار مقام معظم رهبری می-دانند، دو تا کار اساسی و مهم را باید انجام بدهند. یکی یک تحلیل محتوایی از متن بشود، مرتب گفتمان-سازی شود و تحلیل محتوا شود. برای جوانها، برای دبیرستانی-ها، برای دانشگاهیان، برای حوزویان، برای مدارس، این بیانیه هم تحلیل محتوایی شود و هم گفتمان-سازی. این یک کار که از عهده امثال ماها هم این کار بر می-آید دوستان برنامه-ریزی کنند در آموزش و پرورش بروند و با یک زبانی که قابل درک باشد برای مخاطب این مباحث برای مردم گفته شود، تبیین شود مخصوصاً ً ایام اعتکافی که در ایام عید است، حتماً ً دوستان از این فرصت استفاده کنند و ماه رمضان [این بیانیه را تبیین نمایند]. این بیانیه امروز و فردا نیست، باید مرتب گفته شود و کار دومی که بسیار لازم است برای نخبگان انجام دهند، پیشنهاد ساختاری برای تحقق محتوای این بیانیه در جامعه است. خوب حالا این بیانیه را حضرت آقا فرموده، سوال؛ آیا این ساختار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، این ساختار پاسخگو و تأمین-کننده این متن است؟ نیست. خیلی روشن است. همین روز جمعه-ای که گذشت عده-ای از نمایندگان مجلس منزل ما آمدند. صریحاً ً می-گفتند، بچه

مسلمان هم بودند، ولایی و انقلابی هم بودند، می-گفتند ما نمایندگان مجلس اصلاً به فکر منافع ملی نیستیم، نمی-توانیم هم باشیم، ما به فکر منافع شهرمانیم، درواقع هم به فکر منافع خودمانیم که رأی بیاوریم از آن شهر؛ لذا تصمیم می-گیریم مثلاً برای اینکه اشتغالی را در شهرمان راه بیندازیم، ناچاریم برویم به وزیر فشار بیاوریم که مثلاً پتروشیمی را در شهر ما بزند در حالی که اصلاً منفعت و مصلحت ملی اقتضا نمی-کند این کار انجام بشود ولی خب می‌خواهیم رأی بیاوریم دیگر، چاره ای نداریم. پس این ساختار مجلس [تأمین کننده این بیانیه نیست]. چون به هر حال نمی-شود از عدالت و عزت سخن بگوییم اما ساختار مجلس تأمین-کننده این نباشد. این ایراد به نمایندگان نیست. شما هم بروید مجلس همین است. اشکال در ساختار مجلس است، اشکال در ساختار شوراهای شهر است. الان گله ای که آقایان دارند خیلی از شهرها من می-روم، ایام و مناسبت-های مختلف دعوت می-کنند مثلاً 22 بهمن یا مناسبت-های دیگری. می-گویند که مثلاً نماینده مجلس دخالت می-کند در بحث آموزش و پرورش و مسائل دیگر. خب، می-خواهد رأی بیاورد دیگر. اینها ایرادهای ساختاری است. به نظر بنده امروزه نخبگان - من در جلسه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هفته پیش این مطلب را عرض کردم- یک وقت یک کاری مبلغین ما انجام می-دهند آن کار اول است، یعنی تحلیل محتوایی متن و گفتمان سازی، یک وقت یک کاری را شورای عالی انقلاب فرهنگی می-خواهد انجام بدهد، مجمع تشخیص مصلحت می-خواهد انجام بدهد، اگر قرار باشه آن-ها هم بخوانند روضه بخوانند و منبر بروند و بگویند ما هم می-خواهیم گفتمان سازی کنیم، خب شما برای چه اینجا نشستہ-ای؟ اینها باید پیشنهادهای ساختاری مناسب برای تحقق این را بدهند و حضرت آقا این را می-خواهند غیر از گفتمان سازی. به هر حال این حرفها را نزده که ما همان حرفها را در خطبه های نماز جمعه مان تکرار کنیم، در منبرهایمان تکرار کنیم، بریم سر کلاس درس تکرار کنیم، والسلام. اما این جلسه، مربوط به بخش اول است یعنی این وظیفه اول که تحلیل محتوایی بحث است. من 4 نکته مهم را از این متن استخراج کردم. نکته اول: این بیانیه، نظریه نظام انقلابی است که مخاطب اصلی-اش جوانانند به این دلیل که قرار است 40 سال دوم را عمدتاً توسط نسل جوان اداره کند و انقلاب را به دست بگیرد. خوب دقت کنید. پیام اصلی کل این بیانیه یک گوهری دارد. گوهرش چیست؟ نکته اول من، بیان گوهر بیانیه است. گوهر این بیانیه این است که این بیانیه، نظریه نظام انقلابی است که مخاطب اصلی-اش جوانانند. چرا جوانان؟ چون 40 سال دوم را باید نسل جوان عمدتاً به دست بگیرد. این معنایش این نیست که مثلاً حالا کسانی از نسل اول یا دوم اگر کارآمدی دارند، استفاده نشوند اما باید یعنی انتظار تکامل و بالندگی را حضرت آقا از نسل جوان می-خواهند. خب، نسل جوان باید امور دستش بیاید تا این غرض را تأمین کند به همین خاطر با حفظ تمام کرامات و احترام و تکریم بزرگان، باید این 40 سال دوم را عمدتاً به نسل جدید بدهند که دنبال بکنند. گام سوم، 40 سال سوم انقلاب، گام چهارم 40 سال چهارم انقلاب و هر 40 سال باید عهده-دارش نسل جوان باشند. پس این بیانیه نظریه نظام انقلابی است. این تعبیر خود آقا است ایشان می-گویند نظریه نظام انقلابی در همان صفحه اول در آخر پاراگراف چهارم تعبیرش این است " بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می-کند". این تا ابد دفاع می-کند با همین مخاطب جوانی که امور به دستشان واگذار می-شود و این مطالبه باید صورت بگیرد. البته عرض کردم با

تکریم از بزرگانی که در این 40 سال خدمت کردند. چون بعضی خیال می-کنند اگر می-خواهد این انقلاب به نسل جدید منتقل شود، باید با تخریب نسل قدیم انجام بشود. عزیزان، تخریب نسل قدیم اثر وضعی دارد. این انقلاب آسیب

می-بیند. بزرگانی که در بحبوحه های انقلاب از هزاران بار تهدید جانی جان سالم به در بردند ، قبل از انقلاب در انقلاب، در جنگ، بعد از جنگ، بعد عده-ای بی-مغز بیایند شروع کنند به تخریب شخصیت-ها، به تخریب انسانهایی که جز وهابیت و جریان-های انحرافی خوشحال نمی-شوند، همانها خوشحال می-شوند. پس دو حرف است اینها را خلط نکنیم. قطعاً باید انقلاب به نسل جدید منتقل بشود. چه معنایی دارد حرفهایی که گویا افرادی که در همین سن-های امثال شما مسئولیت-هایی داشتند و الان سنشان بالا رفته تا ابد بر این مناصب بنشینند؟ حتماً باید نیروهای جدید و جوان بیایند. تازه جوان امروز ما، به مراتب تجربه-اش، دانشش بیشتر از آن دوره است و گاهی اوقات تعهدش. لذا من فکر می-کنم اینکه آقا تعبیر به گام دوم کرد، سرّش این است. چرا گام دوم؟ ممکن است بگوییم آقا گام دوم، دوره جنگ بوده، گام سوم دوره سازندگی .... نه، الان گام دوم است چون آغاز تحویل این انقلاب به دست نسل جوان و جدید و متعهد و فاضلی است که توان اداره کشور را هم دارند. این در واقع، نکته اول که حضرت آقا می-خواهند این انقلاب را با نسل-های جوان گام به گام جوان نگه دارد. انقلابی که پیر نمی-شود، فرتوت نمی-شود، فرسوده نمی-شود مرتب در حال نشاط جوانی است. نکته دوم، معرفی این نظریه است. خب این نظریه نظام انقلابی چیست؟ من یک تعریف، یک شعار-ها و سه

ویژگی هایی از این متن استخراج کردم یعنی این سه تا مطلب، نکته دوم ما را تامین می-کند که معرفی نظریه نظام انقلابی است. مطلب اول، تعریف انقلاب اسلامی. مطلب دوم ، شعارهای انقلاب اسلامی و مطلب سوم ویژگی-های انقلاب اسلامی. انقلاب اسلامی چیست؟ انقلاب اسلامی یک فعالیت فرآیندی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است. دقت کنید. بعضی تلقی شان از انقلاب اسلامی، فعالیتی، پیروزی-ای بود که در سال 57 اتفاق افتاد و این خیلی تلقی غلطی است از انقلاب. انقلاب اسلامی یک تکامل فرد و جامعه و تاریخ است. بُعد فردش خودسازی است، بُعد جامعه اش، جامعه پردازی است و بعد تاریخش، تمدن سازی است چون تمدن، هویت تاریخی دارد. تمدن سازی هویت تاریخی دارد، مقید به مکان خاص نیست لذا وقتی می-گوییم تمدن اسلامی مثلاً در ایران شروع شد در قرن چهارم - درست که خیلی از متفکران ایرانی بودند- ولی این تمدن رفت تا شمال آفریقا و جنوب و هند و کجا و کجا و همه آنها مشارکت کردند در این

تمدن-سازی. مثل همین الان، تمدن مدرن غرب درست است که این تمدن و رنسانس از ایتالیا شروع شد ولی این ادامه پیدا کرد. الان کل جهان را این تمدن مدرن دارد تسخیر می-کند و لذا تمدن، منحصر در یک مکان خاص نیست؛ استمرار زمانی هم دارد و در جوامع مختلف حضور دارد. پس من به نظرم تعریف مقام معظم رهبری از انقلاب اسلامی یک تعریف فرآیندی است که البته با ویژگی-ها و شعارهایش این تعریف روشن-تر

می-شود. مطلب دوم و سوم عرض خواهم کرد. پس یک فرایند خودسازی، جامعه پردازی، تمدن سازی است. شعارهای این انقلاب هم شعارهای فطری است و لذا هیچ موقع این شعارها کهنه نمی-شود، چون مربوط به ساحت فطرت انسان است، شعارهای فطری-اند، شعارهای

جهانی-اند. شعارهایی مثل آزادی، عدالت، معنویت، عقلانیت، عزت و مانند آن. اینها شعارهای انقلاب اسلامی است، شعارهایی فطری یعنی مربوط به ساحت نهاد ثابت انسان. ولو انسان مرتب در حال تحول و تغییر است ولی یک نهاد ثابت هم در انسان هست و جهانی هم هست. همه جهانیان از عزت، معنویت، آزادی، عدالت، دفاع می-کنند و خواستار همین امور هستند. ویژگی-های انقلاب اسلامی چیست؟ در تعریف انقلاب اسلامی، در معرفی انقلاب اسلامی، ویژگی-های این است: انقلاب اسلامی صریح است، شجاع است، مدافع مظلوم است، مقتدر است، صادق است، زنده و پویا است، منعطف است، مصحح خطاهای خودش است یعنی متحجّر نیست، بی تفاوت در برابر پدیده-های نو نیست، همان ویژگی-هایی که در کتاب جریان‌شناسی فکری ایران معاصر از آن تعبیر کردیم به عقلانیت اسلامی که نه سنتی مبتلا به تحجر است نه روشنفکری مبتلا به غربزدگی و وابستگی. یک جریان است که هم از میراث گذشته خودش استفاده می-کند، هم به نیازهای زمان و پدیده-های نو توجه دارد و این ویژگی-ها را و آن شعارها را با شکلی خاص تحقق بخشیده است. این را هم باید مطلب چهارم از نکته دوم بگویم. شکل این انقلاب جمهوریت و اسلامیت است. مردمسالاری دینی است، یعنی خوب دقت کنید نظریه نظام انقلابی تنها نیامده بگوید که انقلاب اسلامی یک فرآیندی خودسازی، جامعه پردازی، تمدن سازی است؛ فقط نیامده شعارها را بگوید که چیست، ویژگی-ها را بیان نکند بلکه گفته با چه ساختاری می-توان به این اهداف، به این شعارها رسید، آن ویژگی-ها را محقق کرد، جمهوریت و اسلامیت است. این ساختار و شکل حکومت که بیانگر محتوا هم هست، در هیچ نظام دنیا وجود نداشته است. واقعا اگر این ساختار جمهوریت اسلامیت نبود

می-توانست انقلاب اسلامی 40 سال دوام بیاورد؟ می-توانست در جنگ تحمیلی 8 سال در مقابل جنگ جهانی صدام بایستد؟ می-توانست این دستاوردهایی که بعداً می-خواهم عرض کنم - در این بیانیه آمده- داشته باشد؟ ساختار خیلی مهم است و لذا من عرض کردم در این فعالیت دوم باید تلاش کنیم ببینیم چگونه ساختارهای درون این ساختار کلان را بسازیم تا این اهداف، این شعارها تحقق پیدا کند. این هم نکته دوم. پس نکته اول گوهر بیانیه را عرض کردم که این بیانیه بیانگر یک نظریه است، مخاطبش کل ملت ایران است ولی تأکید بر نسل جوان است فلسفه اش هم عرض کردم، سرّش را عرض کردم. نکته دوم معرفی این نظریه نظام انقلاب بود که از تعریف انقلاب اسلامی، شعارها و ویژگی های انقلاب اسلامی گفته شد. اما نکته سوم که در سراسر این متن مشاهده می-شود، دستاوردها است. حالا ممکن است کسی بگوید که این نظریه چه دستاوردهایی داشته است بعد از 40 سال؟ نظریه، اگر کارکردی بنگریم آثاری، نتایجی، کارکردهایی داشته است یا خیر؟ خوب، مفصل آقا این بحث [را آورده است]. ثبات امنیت کشور، این خیلی مهم است. آدم مقایسه کند با منطقه، با کشورهای منطقه، حتی با کشورهای غربی، ثبات و امنیت کشور، پیشران در عرصه علم و فناوری، زیرساخت-های حیاتی، اقتصادی، سلامت و مانند آن، مقابله با استکبار، توجه به مستضعفان، مدیریت جهادی، رشد بینش سیاسی مردم، سنگینی کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. این واژه-ها خیلی دقیق است. نمی-فرمایند "عدالت تحقق پیدا کرده" اما از آن ور هم این همه به بهانه عدالت و عدالت خواهی دارند شب و روز رفتار ظالمانه انجام می-دهند، این هم نیست. اینقدر نزنید بر سر انقلاب، سنگینی کفه عدالت در

تقسیم امکانات عمومی، کشور ده سال به ده سال هم مقایسه کنیم، ببینیم چه کردیم. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی، قبل از انقلاب که هیچی، چند تا پیرمرد شبهای قدر می-نشستند، بعد از انقلاب هم جمعیتی نبود. الان شما ببینید شبهای قدر چه خبر است؟ اعتکاف-ها چه خبر است؟ دعای عرفه چه خبر است؟ فضای معنوی-ای که مردم دارند اصلاً قابل مقایسه با دنیا نیست، در دنیایی که روز به روز در انحطاط اخلاقی و معنوی به سر می-برد. من خدمت خیلی از دوستان عرض کردم، کشورهایی حتی مثل کشور فیلیپینی که یک کشور مسیحی متدین متعهد بودند و الان هم تقیدشان به کلیسا بد نیست، 30 سال پیش یک خانم بی-حجاب و با فرهنگ برهنگی مثلاً در این شهر مانی آدم نمی-دید. الان کل این کشور، گرفتار فرهنگ برهنگی است. آنقدر فساد اخلاق و نظام خانواده مختل شده که دیگر در شناسنامه-های بچه-ها دیگر اسم پدران را برداشتند. چون زحمت بود برایشان، بگردند حالا این بچه دنیا آمده، پدرش چه کسی است؟ بنده-های خدا زحمت را کم کردند، اسم پدر را برداشتند، فقط اسم مادر است. چون مادر معلوم است که چه کسی است. اگر این هم معلوم نبود، آن را هم برمی-داشتند. توجه دارید؟ این دنیای وحشتناک، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی. ایستادگی در برابر ستمگران جهان، خیلی حرف است. اینها دستاورد است. تاثیر عظیمی که در منطقه گذاشته جمهوری اسلامی. حالا نکات دیگه-ای هم هست، من همه دستاوردها را یادداشت نکردم که در این بیانیه آمده، ولی یک نکته جالبی است و آن این که ایشان دو تا دستاورد مهمی که به نظر من از همه دستاوردها مهم-تر است در بیانیه-شان دارد. یک: آغازگر یک عصر جدید در مقابل غرب و شرق. اصلاً یک عصر جدید است انقلاب اسلامی، یک رنسانس است. جهان همه چشمشان یا به شرق بود یا به غرب. هندوستان 1947 از مستعمره انگلستان بیرون آمد، مستقل شد، ناچار شد برای اینکه روی پای خودش بایستد، برود وابسته شود به شوروی سابق به بلوک شرق. همان سال پاکستان جدا شد از هندوستان، برای اینکه پاکستان مقابل هندوستان باشد، آمدند سریع پاکستان را مستعمره آمریکا کردند؛ از مستعمره انگلستان بیرون آمد یک قسمتش مستعمره شوروی، شرق شد یک قسمتش مستعمره غرب، آمریکا. هنوز هم پاکستان مستعمره آمریکا است، قدرت امنیتی و نظامی-اش دست آمریکا است. لذا هندوستانی که 70 درصد بیسواد دارد، بمب اتم هم برایش درست کردند که این هندوستان، پاکستان تا ابد با هم درگیر شوند و روز خوشی برای خودشان نبینند. این کار استعمار است. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی است که آغازگر یک عصر جدید بود، مقابل غرب و شرق ایستاد و نکته دیگر، دستاورد دیگر که این هم به نظر من خیلی خیلی مهم و حیاتی است، می-فرماید "پایان دادن به انحطاط تاریخی"؛ خیلی نکته ظریف و دقیقی است. ببینید این تعبیر یک عالم تاریخی است که آگاهی کامل از تاریخ جهان و تاریخ اسلام و تاریخ ایران دارد. شما نگاه کنید، اوج انحطاط در دوره پهلوی، در دوره قاجار، نیمه دوم دوره صفویه، حالا بین این دو تا هم حکومت-های زندیه و مانند آن نیز همین وضعیت را داشتند، یعنی دیگر از نیمه دوم حکومت صفویه انحطاط شروع شد، شاه سلطان حسین که افغانه آمدند حمله کردند، گرفتند تا بعدش که همین طور ادامه پیدا کرد انحطاط و انحطاط هم نه فقط عقب-ماندگی اقتصادی و سیاسی و اینها، اصلاً انحطاط علمی، معرفتی. واقعا این انقلاب پایان داد به این انحطاط تاریخی. اینها به نظر خیلی مهم است. به تعبیر دیگر از مهم ترین دستاوردهای انقلاب این بود که یک گفتمان نو و تحول زا در

مقابل استکبار جهانی را، این انقلاب خلق کرد. گفتمانی که بنده از آن تعبیر می‌کنم به عقلا نیت اسلامی. این یک گفتمان نو بود، یک رنسانسی بود که به نظرم مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی است و اما نکته چهارم که آخرین نکته است در این بیانیه، توصیه‌هاست. به تعبیری نکته اول و دوم و سوم یک توصیفی از گام اول انقلاب است. آخر بعضی اوقات انقلاب ب-ها، احساسی-اند؛ بعضی اوقات انقلاب-ها کودتایی-اند، زوری-اند؛ بعضی انقلاب-ها انقلا ب-هایی هستند که شعارهای ارزشمند دارند اما پشتوانه نظری ندارند. آقا تا اینجا نشان داد در این بیانیه که این انقلاب اسلامی ایران هم پشتوانه نظریه داشت، پشتوانه نظری داشت، نظریه انقلاب اسلامی، نظریه نظام انقلابی؛ ببینید نظریه نظام انقلابی، تعبیر نظام دارند، بحث ولایت فقیه که الان به دروغ این انسان-های غیرعالم و درواقع مریض، اینهایی که به تعبیر قرآن " فی قلوبهم مرض " هستند، می‌آیند می‌آیند این مستندهای دروغی می‌سازند که امام اعتقاد نداشت، امام حرفی نزد. چرا امام حرفی نزد؟ این همه درس-های خارج طهارت و صوم و صلاه، بیاید درس ولایت فقیه بگوید؟ بعد هم در درس ولایت فقیه اشاره کند که فقهای ما از گذشته این را داشتند و در طول تاریخ هم این نظریه ولایت فقیه تحقق خارجی داشته؟ اما منطقه-ای. شاه طهماسب که دومین حاکم و سلطان صفویه است وقتی در قزوین مستقر میشود- که هنوز هم این کاخش هست در منطقه قزوین- ایشان نامه می‌نویسد به محقق کرکی، دعوت می‌کند او را به ایران، اول نمی‌پذیرد. دوباره نامه دیگری می‌نویسد و در آن نامه مقبوله عمر بن حنظله را در آن نامه، شاه طهماسب می‌آورد که آقای محقق کرکی، امام صادق (ع) می‌فرماید: " فانی قد جسد علیکم حاکما و اتمام بن عثم الک ". یک پادشاه صفوی که گرایش تصوف دارد، او این را می‌فهمد و با همین استدلال، حجت را بر محقق کرکی تمام می‌کند و بلند می‌شود می‌آید و درواقع، زیر نظر ایشان شاه طهماسب به عنوان یک رئیس جمهوری، قوه مجریه زیر دستش بود و هرکاری که می‌خواست بکند از نظرات محقق کرکی استفاده می‌کرد. حالا بعدها البته شیخ الاسلام دایره-اش محدودتر شد در امور قضایی و امور خاصی و تا حدودی هم خود شاه عباس اول از نظرات مرحوم شیخ بهایی استفاده می‌کرد. اصلاً در آن دوره احیای تمدن اسلامی بعد از سه قرن انحطاط، دوباره در این دوره تمدن اسلامی شروع شد از برکت علما و جالب است نگاه کنید هر دوره-ای در تاریخ اسلام که تمدن اسلامی رشد کرده می‌بینید حضور عالمان حوزوی است در رشته-های مختلف بوده است، شما نگاه کنید تمام کسانی که در طبیعیات، در ریاضیات، در نجوم، در [علوم دیگر]، اینها همه عالمان دینی بودند که در این علوم هم کار می‌کردند. واقعاً کسانی باید بنشینند این فیلمها را بسازند، مستند سازی کنند که روحانیت عالم به روز، عالم به زمانه، چطور نقش داشتند در تمدن-سازی. خب، حضرت امام آمد این درس خارج را شروع کرد، در همان سال-های اولیه تبعیدشان در عراق، در نجف و اصلاً اگر این درس خارج حضرت امام (ره) نبود، بزرگانی مثل آیت الله مدنی و دیگران، اینها دور امام جمع نمی‌شدند. دور امام جمع شدند و چقدر دشنام-ها شنیدند، چقدر تخریب-ها دیدند، چقدر توهین-ها دیدند، چقدر اینها را بعضی آقایان و بیوتات طرد کردند که چرا دور امام را گرفتید؟ ولی انقلاب با درس ولایت فقیه شکل گرفت یعنی با نظریه نظام انقلاب اسلامی شکل گرفت، انقلاب مبتنی بر یک نظریه بود. این نظریه تعریف دارد، مولفه دارد، شعار دارد، شکل دارد، سال 57 تحقق پیدا کرد. بعد از 40 سال، این هم دستاوردهایش

است که گفتیم. اما در گام دوم که نکته چهارم را می-خواهم عرض کنم، در واقع بعضی انقلابا ب-ها پشتوانه نظری ندارند، انقلاب اسلامی ایران پشتوانه نظری داشت، بعضی انقلاب-ها پشتوانه نظری دارند ولی این نظریه-شان ثبات ندارد در استمرار عمر انقلاب، از بین می-رود، تهدید می-شود، تحریف می-شود. حتی جالب است مثلاً فرانسه، نظریه انقلاب فرانسه ثبات پیدا نکرد، شعارهایش را تلاش کردند که بماند. چون نظریه، مبانی و مولفه-هایی دارد. یک وقت می-بندید شعارها می-ماند اما تعریف از شعارها عوض می-شود. انقلاب اسلامی، پشتوانه نظری داشت و این نظریه هم ثبات داشت و استمرار پیدا کرد و هنوز هم همین نظریه حاکم است و دستاوردها هم دستاوردهای همین نظریه است. اما نکته چهارم، پاسخ به این سوال است آیا ما این فرآیند انقلاب که خودسازی، جامعه-پردازی و تمدن-سازی است رسیدیم در گام اول؟ نرسیدیم. پس ای نسل جوان، ای مردم عزیز، در گام دوم 7 توصیه مهم را باید توجه کنیم. این 7 تا توصیه ساختار-سازی می-خواهد که عرض کردم یعنی اگر بخواهیم آن پیشنهاد دوم بنده اجرایی بشود، باید برای این 7 تا توصیه ساختارسازیها انجام شود. توصیه-هایش هم به مردم [از این قرار است]: "اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل توصیه-هایی می-کنم. این سرفصلها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و آخریش هم سبک زندگی، که یکی یکی حضرت آقا این نکات را مطرح کردند. حالا جالب این است که در هر یکی از این 7 نکته به دستاوردهای انقلاب هم اشاره دارند ولی برای چی؟ برای اینکه امید بسازند، ولی بعد به تهدیدها اشاره می-کنند. این 7 توصیه ترکیبی از امیدها و تهدیدها است. مثلاً می-فرماید: "عقب ماندن از قله های دانش جهان و ضرورت دستیابی به قله-ها". ما قله-های علمی را هنوز به آن نرسیدیم، این ضعف ما است، این نقش ما است. حتی تعبیر ایشان این است:

"باید از مرزهای کنونی دانش عبور کنیم ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم، ما از صفر شروع کرده-ایم.

عقب-ماندگی شر-م-آور علمی در دوران پهلوی-ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود ضربه سختی به ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ-ها عقب نگاه داشته است."

بعضی-ها میگویند الان اگر پهلوی الان بود هم، همین می-کرد. بابا، پنجاه و خورده-ای [س ال] حکومت دستشان بود، دقیقاً در آن دوران شتاب علمی و رقابت علمی، ما عقب افتادیم، ما از صفر شروع کردیم. چرا بی-انصافی می-کنند عده-ای؟ من دیدم حتی طلبه-های ما می-گویند آقا ما جایی رفتیم سوال کردند، اگر پهلوی بود هم این پیشرفت-ها انجام می-شد، عجیب است. چه حرفی است می-زنید؟ چه پیشرفت-هایی؟ کشور ما، کشور مونتاژ بود، کشور تولید علم بود؟! در آن اوج اقتدار علمی جهان، ما عقب مانده-ترین کشور بودیم. اصلاً رتبه علمی ما به حساب نمی-آمد. الان رسیدیم رتبه 16، اگر پهلوی بود هم رتبه 16 می-رسیدیم؟ چرا انقدر بی-انصافی می-کنید؟ آخر یک کشوری، یک حکومتی سال به سال رونق صعودی داشته، بله می-گوییم بعد هم ادامه پیدا می-کرد، ولی دولتی که سیرنزولی داشته است و هیچ پیشرفتی نداشته و اصلاً باور [نداشتند که

می-توانند]، اجازه نمی-داده به نسل جوان ما [کاری انجام دهد]. همین الان هم که می-گویند فرار مغزها، همان موقع-ها بدتر از این بود، هر جوان مستعدی که می-توانست بیاندیشد، تولید داشته باشد میبردندش آمریکا، حق نداشت اینجا باشد. آن موقع با تدبیر حکومتی این اتفاق می-افتاد، الان با تدابیر برجام و تحریم و این شیوه-ها.

ما هم این کار را داریم انجام می-دهیم. این یک، دوم معنویت و اخلاق است که نیاز اصلی جامعه است. تهاجم اخلاقی در جامعه روزافزون است. بسیار خطرناک است و این را باید چاره-ای اندیشید. البته معنویت را آقا اینطور تعریف می-کند: "معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل اخلاق، اخلاص، ایثار، توکل، ایمان هم در خود، هم در جامعه. اخلاق به معنی رعایت فضیلت-هایی چون گذشت، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت-های فردی و اجتماعی و نیاز جامعه است." این هم توصیه دوم.

توصیه سوم، مساله اقتصاد. می-فرمایند: "اولاً اقتصاد هدف نیست اما وسیله-ای برای رسیدن به هدف-های جامعه اسلامی هست." اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست ولی وسیله-ای برای رسیدن به هدف-های جامعه اسلامی هست، یعنی لذا اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین-کننده است. اقتصاد قوی نقطه مثبت و عامل مهم نفوذناپذیری کشور است، اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ سلطه و دخالت دشمنان است. عزیزان، ما الان شما نگاه کنید چرا وضعیت خودروی ما این جوری شده است؟ می-دانید چرا؟ برای اینکه در تولید خودرو به شدت وابستگی داریم. همین چراغ خودرو را ببینید، این تولیدش با پلی کربنات است. الان ما 60 درصد صنایع پتروشیمی ما دارد صادر می-شود، یعنی در پتروشیمی رشد خوبی داشتیم ولی هیچ تدبیری نیست که پلی کربنات را در همین پتروشیمی-ها تولید کنند و به راحتی می-توانند تولید کنند. یک شبکه-ای نیست بیاید بگوید ما قویترین فولاد کشور را داریم ولی فولادی که بدنه خودرو را تولید بکند، نداریم. نمی-توانیم داشته باشیم؟ براحتی می-توانیم داشته باشیم. دانشش را داریم، امکاناتش را داریم، مدیریتش را نداریم، تحریم-ها هم که روز به روز دارد بیشتر میشود با برجامها و FATF ها هی دارد روز به روز افزایش پیدا می-کند، بعد هیچ عقل مدیریتی حاکم نیست؛ اگر نگویم تعمد است در نبودن این مدیریت و تحقق پیدا نکردن این چنین مدیریت. آقا یک عقل جمعی بنشیند بگوید مثلاً خودرو این 500 تا مواد اولیه را نیاز دارد، از این 500 تا 200 تایش را داخل ساخته شود 300 تایش وابسته شویم. آرام آرام در یک فرایندی اگر وابستگی برود، اگر اقتصاد قوی داشته باشیم، مجبورند مرزهای اقتصادی را باز کنند. التماس می-کنند آقا ما تسلیمیم. راهش این است.

همه این مطالب را حضرت آقا دارند، بعد می-فرمایند: "ضعف ما وابستگی اقتصاد به نفت است یک، نگاه به خارج است دو، بی-توجهی به ظرفیت داخلی سه." اینها را مهم ترین عیوب اقتصادی می-دانند. اینها همه عیوب ساختاری است، ساختارهایمان. لذا وقتی این یک عده افراد بی-عرضه هم سر کار بیایند این ساختارها و بی-عرضگی، خب معلوم است می-شود شاه سلطان حسین. چهارم، عدالت و مبارزه با فساد. تعبیر جالب ایشان این است: "تلازم بین



عدالت و مبارزه با فساد." این دو تا لازم ملزوم هستند، یعنی به اندازه-ای که فساد رشد بکند، عدالت تنزل پیدا می-کند و به اندازه-ای که مبارزه با فساد باشد، عدالت تحقق پیدا می-کند. حالا فساد اقتصادی، اخلاقی، سیاسی انواع و اقسام را ذکر می-کند که این-ها ویرانگر مشروعیت نظام است. پنجم، استقلال و آزادی. استقلال ملی را ببینید آقا چطور تعریف کرده است، یک تعریف نو و جدیدی است. استقلال ملی به معنای آزادی ملت، ببینید استقلال را به آزادی معنا کرده است." استقلال ملی به معنای آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت-های سلطه-گر جهان. آزادی اجتماعی به معنای حق

تصمیم-گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه." هر دو تا هم از ارزش-های اسلامی-اند و

الهی-اند و تاکید می-کند که این دو اصل را ملت ایران که با جهاد 40 ساله-شان حفظ کردند، این دو اصل را مخصوصاً جوانانمان باید توجه داشته باشند که از دست ندهند. ششم، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن. ایشان اصل عزت، حکمت و مصلحت را در روابط بین-المللی بیان می-کند که "اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین-المللی با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست می-آید" و هفتم که سبک زندگی، مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی که این جهادی همه جانبه را می-طلبد. این هم در واقع نکته چهارمی بود که در این بیانیه هست. ان شاءالله خداوند به ما توفیق بدهد که بتوانیم هم در تبیین و گفتمان-سازی این بیانیه حرکت کنیم و هم اینکه به فکر ساختارهایی باشیم که این بیانیه تحقق پیدا کند. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته